

■ Iranian Intellectuals, the National Heritage and the History of Iranian Architecture in the Period between the Constitution and the end of Reza Shah's Reign; A Story of Conflict and Evolution

Mohammad Hassan Khademzadeh, PhD (corresponding author)

Assistant Professor, School of Architecture, Collage of Fine Arts, University of Tehran

Pouria Mahmoudi Asl Hamedani

MSc, Iranian Architecture Studies, School of Architecture, Collage of Fine Arts, University of Tehran

Efforts by Iranian intellectuals in the Constitution and Reza Shah periods to elaborate the two concepts of 'national architecture heritage' and 'history of Iranian architecture' were parts of their attempts to institutionalise modernity. These two concepts were in turn based on other concepts such as 'time', 'past', 'history' and 'old-age oeuvre', and are noteworthy for exploring their foundations and history as well as their conflicting and evolutionary aspects. This article tries to use an interpretive-historical method to contrast the first-hand documents and quotes from the period, with those from later takes on that period in order to answer the questions of: 1) What are the origins of the ideas of 'national architecture heritage of Iran' and 'history of Iranian architecture?'; and 2) What are the areas of conflict and evolution of these concepts? Examining these concepts, this research tries to detect conflicting and evolutionary modes of them. Modern concepts such as the 'progress' (advancement) seem to associate the two above concepts, whilst demarcations between the two indicate a contrast, which is to do with the potential of national architectural heritage in constructing a sense of fascination with, and grandeur of ancient Iran in the Constitution and Reza Shah periods on one hand, and the position of architectural history in creating a systematic methodology for dealing with history, emphasising the need for carefulness and attention to details towards understanding the history in its accurate form.

Key words: Architecture heritage of Iran, history of the Iranian architecture, Constitution, Reza Shah, intellectual

روشنفکران ایرانی و دوگانه میراث ملی و تاریخ معماری ایران (تقابل و تکامل)

دوره مشروطه تا پایان عصر رضاشاه^۱

محمدحسن خادمزاده^۲

استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

دریافت: ۸ مهر ۱۳۹۸
پذیرش: ۳۰ آذر ۱۳۹۸
(صفحه ۱۲۱-۱۱۱)

پوریا محمودی اصل همدانی^۳

کلیدواژگان: میراث معماری ایران، تاریخ معماری ایران، مشروطه، رضاشاه، روشنفکر.

چکیده

روشنفکران ایرانی دوران مشروطه و رضاشاه، با گرایشی که به برخی از مبانی دوران جدید جهان داشتند، تلاش می‌کردند تا آن‌ها را در جامعه ایرانی نهادینه کنند. از جمله این تلاش‌ها، تدوین دو مفهوم «میراث ملی معماری» و «تاریخ معماری ایران» بود. این دو مفهوم که خود قوام‌یافته از مفاهیم دیگری نظیر «زمان، گذشته، تاریخ، و آثار گذشته» بودند، در اندیشه روشنفکران مؤلفه‌هایی را سامان دادند که هم از منظر بررسی مبانی این مفاهیم و تاریخشان، و هم از منظر وجوه تقابلی و تکاملی حایز ارزش و ارزیابی هستند. در این مقاله تلاش می‌شود با روشی تفسیری-تاریخی در مقابله اسناد و اقوال از طریق بررسی اسناد دست اول همچون متون روشنفکران آن دوران و استدلال منطقی از درون آثاری که متفکران متأخر در شرح آن‌ها نوشته‌اند، به هدف پژوهش یعنی پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق پرداخته شود. در این پژوهش، با بررسی دو مفهوم فوق نزد روشنفکران ایرانی، تلاش می‌شود تا وجوه تکاملی و تقابلی این دو مفهوم مورد نظر ایشان بازایی شود. به نظر می‌رسد که، مفاهیم نوی

همچون ایده پیشرفت (ترقی) پیونددهنده این دو مفهوم بوده‌اند و از سوی دیگر، وجود مرزهایی میان مفهوم میراث ملی معماری ایران و مفهوم تاریخ معماری ایران نشان‌دهنده نوعی تقابل میان این دو است که بیشتر ناظر بر جایگاه مفهوم میراث ملی معماری در مفهوم‌سازی‌هایی با اهدافی مشخص نظیر تلقین حس شیفتگی و عظمت و بزرگی ایران گذشته به ایرانیان دوره مشروطه و رضاشاه است و جایگاه مفهوم تاریخ معماری در روش‌شناسی برخورد با تاریخ، که از نظری علمی است و در این مقاله بر ضرورت نکته‌سنجی و دقت و توجه به جزئیات برای درک تاریخ به شکل دقیق آن تأکید می‌شود.

مقدمه

نخستین آگاهی‌های ایرانیان از تمدن جدید غربی، به دنبال مواجهه جدی ایشان با آن در خلال جنگ ایران و روس بود.^۴ این تقابل مقدمه ایجاد دوران مشروطه شد که به «آگاهی تاریخی جدید ایرانیان» انجامید.^۵ دهه‌های ابتدایی «دوره مشروطه»^۶ به آماده‌سازی مقدمات و سال‌های پایانی آن^۷ به مناقشه بر سر آرمان‌های مشروطه‌خواهی

۱. این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی است با عنوان پیامدهای حقوقی خوانش تجددخواهانه از تاریخ بر معماری ایران (دوره مشروطه تا پایان پهلوی اول) به شماره ۱۱۲۵۶۶/۸۶ که در معاونت پژوهشی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران از ۱ مرداد تا ۲ بهمن ۱۳۹۷ انجام شده است.

۲. نویسنده مسئول

khademzade@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مطالعات معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران
pouria.mahmoodi@ut.ac.ir

۴. جواد طباطبایی، تاملی درباره ایران، جلد دوم: نظریه حکومت قانون در ایران، بخش نخست: مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، ص ۳۲. همان.



پرسش‌های تحقیق

۱. خاستگاه‌های فکری ایده‌های «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» در اذهان روشنفکران ایرانی کجاست؟
۲. حیطه‌های تقابل و تکامل دو مفهوم یادشده کدام است؟

۶. عمدتاً در بررسی‌های تاریخی دوره مشروطه را دهه‌هایی پیش از انقلاب مشروطه، که مقدمات مشروطه‌خواهی آماده می‌شد (شروعش از جنگ‌های ایران و روس بود)، تا پایان سلسله قاجار و آغاز حکومت رضاشاه می‌دانند. برای اطلاعات بیشتر نک: طباطبایی، تأملی در ایران، جلد دوم، بخش نخست و بخش دوم، مکتب تبریز و مقدمات مشروطه‌خواهی.
۷. چنان‌که توضیح دادیم، دوره مشروطه به دهه‌هایی قبل از انقلاب مشروطه و بعد از آن گفته می‌شود. انقلاب مشروطه در ۲۴ مرداد ۱۲۸۵ ش/۱۹۰۶م با امضای فرمان مشروطیت به دست مظفردالدین شاه به پیروزی رسید.
۸. نک: رضا ضیاءابراهیمی، پیدایش ناسیونالیسم ایرانی؛ نژاد و سیاست بی‌جاسازی.
۹. ماشاءالله آجودانی، مشروطه ایرانی، ص ۱۹۸.
۱۰. آشوری، ما و مدرنیته، ص ۴۴.
۱۱. رضا بیگدلو، باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران، ص ۲۴۴.

گذشت. انقلاب حاصل از ایده مشروطیت را، به دلیل اهمیتش، اوج نهضت تجددخواهی در ایران نامیده‌اند^۶، چراکه رشد فکری و اندیشه‌ای حاصل از آن موجب تحولاتی در مفاهیم اجتماعی-سیاسی جامعه ایران شد^۷ که حایز اهمیت بسیار است.

عوامل گوناگونی در تغییر مفاهیم نقش داشتند، اما سهم اساسی در این مقوله از آن روشنفکران بود. آن‌ها به مثابه قشری برگزیده، با آگاهی از برخی از وجوه تمدنی غرب، به نقادی بسیاری از مفاهیم پیشین سنتی پرداختند و تلاش کردند، با طرح مضامین جدید، تغییراتی در ذهن و زبان ایرانیان پدید بیاورند^۸ که سنگ بنای فرایند سوگیری ایران به سمت جهان جدید بود. رضاشاه که پس از نهضت مشروطه و شکست تقریبی آن در برخی از آرمان‌ها، به حکومت رسید، در پی آمال تجددخواهانه، فرایند مدرن‌سازی ایران و آرمان‌های روشنفکران را اساس کار خود قرار داده بود^۹.

از ابتدای مشروطه تا پایان دوره رضاشاه که زمان تکوین برخی مفاهیم جدید و تغییر در بعضی از مضامین قدیمی و سنتی و همچنین عملی شدن تعدادی از آن‌ها بود، درک جامعه ایرانی در وجوه فرهنگی و تمدنی تغییرات زیادی کرد و مضامین و مفاهیم جدیدی، که تا پیش از این اهمیت چندانی نداشت، به منصفه ظهور رسید، از جمله تکوین ایده «میراث ملی معماری» و «تاریخ معماری» که مباحث و نگرش‌های نو و گوناگونی را حول محور معماری ایران پدید آورد. این دو مفهوم جدید را از منظر تاریخ اندیشه می‌توان برخاسته از مفاهیم جدید مستتر در اندیشه روشنفکران مانند «تاریخ»، «گذشته»، «زمان»، «جدید»، «قدیم»، و دیگر مفاهیم فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دانست. گرچه این دو مفهوم ارتباطی به هم پیوسته داشته و دارند و هر دو ناظر بر معماری گذشته هستند؛ لیکن تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها و تشابهات، که در این تحقیق به «تقابل و تکامل» تعبیر شده‌اند، به خاستگاه‌های فکری و نظری معنای «میراث ملی معماری» و «تاریخ معماری ایران» در اندیشه روشنفکران بازمی‌گردند.

در این مقاله تلاش می‌شود با روشی تفسیری-تاریخی در مقابله اسناد و اقوال، از طریق بررسی اسناد دست اول همچون متون روشنفکران دوره مشروطه و رضاشاهی و استدلال منطقی از درون آثاری که متفکران متأخر در شرح آن‌ها نوشته‌اند، به هدف پژوهش که پاسخ‌گویی به این دو پرسش است

را بررسی می‌کند و به طور پراکنده و موجز مطالبی را از این دو دربارهٔ نقش آثار گذشتگان در هویت ملی ما می‌آورد. اثر دیگر، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)* نوشتهٔ محمدعلی اکبری است که به گفتارهایی از روشنفکران دربارهٔ برخی از آثار معماری گذشتگان و نقششان در دریافت ایرانیان از هویت جدیدشان اشاراتی کرده است.

به چند اثر دیگر نیز می‌توان اشاره کرد که به طور مستقیم به موضوع پژوهش این مقاله اشاره‌ای نکرده‌اند، اما می‌توان از خلال بررسی‌هایشان دربارهٔ موضوعات مختلف در تاریخ معاصر ایران، مباحثی مرتبط با این پژوهش یافت، نظریه مدرنیته در معماری که سعید حقیر و حامد کامل‌نیا در این کتاب مباحثی در مورد مفاهیم اساسی مدرنیته و تأثیر آن‌ها بر هنر و معماری آورده‌اند. *باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران* نوشتهٔ رضا بیگدلو و جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دورهٔ پهلوی اثر سیمین فصیحی و *تاریخ علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین (از آغاز دورهٔ قاجار تا پایان دورهٔ پهلوی)* کارِ داریوش رحمانیان و مقالهٔ «ارزیابی انتقادی تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی در ایران» نوشتهٔ رضا بیگدلو و مقالات محمدعلی اکبری دربارهٔ تاریخ‌نگاری در ایران قاجار و مشروطه و دورهٔ رضاشاهی^{۱۲} دیگر آثار نگاشته شده در این زمینه هستند.

۲. روشنفکران و مفهوم میراث ملی معماری ایران

روشنفکران ایرانی دورهٔ مشروطه و رضاشاه در پی تبیین و تدوین مفهومی جدید به نام «میراث ملی معماری» برآمدند که منبعث از برخی وجوه اندیشه‌های نو در آن زمان بود. آن‌ها مؤلفه‌هایی را حول محور «معماری گذشتگان» طرح کردند، که زمینه‌های برآمدن مفهومی شد که ما اکنون با نام «میراث ملی معماری ایران» می‌شناسیم. چنین مفهومی در نظر ایشان برآمده از مفاهیم و واژگانی نظیر «آثار گذشتگان»، «آثار عتیقه»، و

پرداخته شود: ۱) خاستگاه‌های فکری ایده‌های «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» در اذهان روشنفکران ایرانی کجاست؟ و ۲) حیطه‌های تقابل و تکامل دو مفهوم یادشده کدام است؟ پاسخ به این دو پرسش، از رهگذر بررسی دو موضوع «روشنفکران و میراث ملی معماری ایران» و «روشنفکران و تاریخ معماری ایران» در قلمروی زمانی یادشده و سپس دربارهٔ وجوه تقابل و تکامل دو مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» صورت خواهد پذیرفت.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون در موضوع خاستگاه‌های فکری دو مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» و تشابه و تفاوت‌های این دو به صورت مستقل به این مفاهیم پرداخته نشده است؛ اما به صورت پراکنده در آثاری از متفکران متأخر، که دربارهٔ جریان‌های جدید تاریخ‌نگاری ایران در دوران معاصر تحقیق کرده‌اند، مطالبی آمده است. یکی از این آثار کتاب جواد طباطبایی با نام *تاملی دربارهٔ ایران*، جلد دوم: *نظریهٔ حکومت قانون در ایران* است که در بخش نخست جلد دو با عنوان «مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی» دربارهٔ تاریخ‌نگاری در معنای جدید آن به خواستگاه‌ها و نخستین بحث‌های روشنفکران ایرانی در این خصوص می‌پردازد و ضمن مباحث آن اشاراتی به توجه روشنفکران به مفاهیمی نظیر میراث و تاریخ معماری کرده است. اثر دیگر، کتاب *تجدد بومی و بازانندیشی تاریخ* نوشتهٔ محمد توکلی طرقی است که او نیز در قسمتی دربارهٔ بازانندیشی روشنفکران در خصوص مفهوم تاریخ، به توجه روشنفکران به آثار گذشته و نقش آن‌ها در علم تاریخ اشاره کرده است. اثر دیگر کتاب *پیدایش ناسیونالیسم ایرانی؛ نژاد و سیاست بی‌جاسازی* نوشتهٔ رضا ضیاء‌ابراهیمی است که او در بخش‌هایی اندیشه‌های دو تن از مهم‌ترین روشنفکران دورهٔ مشروطهٔ ایران، یعنی فتح‌علی آخوندزاده و میرزاآقاخان کرمانی،

۱۲. نک:

۱۳. ابراهیم توفیق و همکاران، نامیدن تعلیق؛ برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی تاریخی انتقادی در ایران، ص ۴۷.
۱۴. نگارندگان این مقاله ایده غیاب‌نگاری را از کتاب نامیدن تعلیق نوشته ابراهیم توفیق برگرفته‌اند. توفیق در این کتاب در مبحث بر سر چگونگی نگاشتن تاریخ انتقادی ایران، به دوگانه تاریخ انتقادی و تاریخ شرق‌شناسانه اشاره می‌کند و معتقد است تاریخ شرق‌شناسانه تاریخی است که یکی از محورهای بنیادین آن ایده غیاب است و این ایده است که شرق‌شناسی را اساساً به صرف غیاب‌نگاری بدل می‌کند. غیاب‌نگاری یعنی نگاشتن هر آن چیزی که غرب برای گذار از سنت به مدرنیته داشته و شرق (در اینجا به طور خاص ایران) نداشته است. بنابراین، «تاریخ غیاب‌نگارانه» تاریخی است که از فقدان‌های ما در مقابل داشته‌های غرب سخن می‌گوید. برای اطلاع بیشتر نک: توفیق، ابراهیم و همکاران، نامیدن تعلیق؛ برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی تاریخی انتقادی در ایران.
۱۵. همان.
۱۶. فریدون آدمیت، انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران (مقالات تاریخی)، ص ۲۰.
۱۷. مهدی ملک‌زاده، زندگانی ملک‌المتکلمین، ص ۱۰۳-۱۰۴.
۱۸. همان.
۱۹. همان.
۲۰. طباطبایی، همان، ص ۵۵۰.

«آثار باستانی» بود. بررسی آرای روشنفکران در خصوص «میراث ملی معماری» وابسته به دو موضوع «مفهوم جدید میراث معماری» و «گزینشگری و مفهوم‌سازی‌های کلی‌نگر در معماری گذشتگان» است که در اینجا به آن پرداخته می‌شود.

۱.۲. مفهوم جدید میراث معماری ایران

آگاهی‌ای که در پس جنگ‌های ایران و روس در ذهن برخی از نخبگان ایرانی پدید آمده بود، به دقت‌ورزی و جستجوی عمیق‌تر برخی روشنفکران دوره مشروطه و رضاشاه در تمدن جدید و الزامات آن انجامید و منجر به دگرگونی‌های مهمی در مبانی اندیشه ایشان بر محور تکوین مفاهیم جدید شد، که در نوشته‌هایشان، بخصوص آنجا که به تاریخ و گذشته ایران مربوط می‌شد، بروز یافت. این اتفاق با نظر به تاریخ غرب و دارایی‌های آن‌ها، و غیاب آن دارایی‌ها نزد ما همراه بود.^{۱۳} به بیان دیگر، تکوین و تدوین مفهوم جدید نزد روشنفکران به نوعی بر اساس ایده غیاب^{۱۴} در مفاهیم جدید بود. به‌ویژه در این مبحث که تاریخ و گذشته اهمیت دارد، بر مبنای چیزهایی بود که در غرب برای گذر به مدرنیته و تمدن جدید وجود داشت و برای ما غیابشان پراهمیت شده بود^{۱۵}؛ زیرا وجود آن دارایی‌ها به معنای الزامات و مظاهر تمدن جدید تلقی می‌شد و نبودشان به معنای فقدان تمدن.

شکل‌گیری و توسعه مفاهیم جدید در اندیشه روشنفکران ایرانی پیامد برخورد با تمدن غرب و التفات به مظاهر آن تمدن بود.^{۱۶} افزایش توجه به گذشته بر مبنای ایده مفاهیم جدید، در معماری، به آگاهی روشنفکران از «نقش معماری گذشته در تمدن جدید» منجر شد، که حاصل دریافت آن‌ها از مضمون جدید مفاهیمی چون «تاریخ» و «گذشته» بود، که در جهان جدید دگرگونی‌های عمده‌ای در مفاهیم و گستره آن‌ها رخ داده بود. در نگاه روشنفکران در وهله اول، آگاهی از جایگاه معماری گذشته نزد غربی‌ها به معنای «تفاخر به گذشته از

رهگذر تفاخر به آثار معماری گذشتگان» فهمیده شد و این موضوع از الزامات و همچنین مظاهر تمدن جدید تلقی گردید. از این‌رو، آثار معماری گذشته «مظهر تمدن ادوار مختلف و معرف مرتبه قدرت و توانایی اقوام و نمونه هنر و صنعت و ذوق مردان بزرگ جهان [۱۰۰]» و دوره مجد و عظمت^{۱۷} خوانده می‌شوند و این آثار «مراتب فضل و دانش هریک از ملل را به عالمیان نشان می‌دهند»^{۱۸}. بنابراین این آثار «بهترین سند دوره فخر و عظمت»^{۱۹} ایران هستند و ناآگاهی ایرانیان از چنین منزلت و فخر و عظمتی، شایسته نقادی روشنفکری همچون حاج‌سیاح — از مردم تا دولتمردان — در «رفتار ایرانیان نسبت به میراث فرهنگی خود»^{۲۰} است.

آگاهی از مبانی اندیشه جدید نزد روشنفکران، مبنای نوعی تطبیق و قیاس می‌شود و براساس آن شکوه و منزلت آثار معماری تاریخی در نزد غربی‌ها را با خواری و پستی آن‌ها نزد ایرانیان به قیاس می‌گیرند^{۲۱}، ایشان به منظور آگاهی‌بخشی و جلب توجه همگانی به اهمیت این آثار، به امتیازهای داده‌شده به خارجیان برای اکتشاف آثار باستانی^{۲۲} معترض می‌شدند؛^{۲۳} چراکه این آثار می‌باید مورد پژوهش و حفاظت علمی ملی واقع شوند تا از رهگذر تأسیس موزه‌ها و امکان بازدید از مکان‌های تاریخی، که ذوق و صنعت گذشتگانمان در ابنیه و تزییناتش آشکار است، «انواع و اقسام فواید مادی و معنوی» را ببریم، «چنان‌که سایر ملل از آثار قدیمه خود» چنین بهره‌ای می‌برند.^{۲۴} از این‌رو غیاب مفاهیم جدیدی چون موزه و گردشگری فرهنگی و توجه به بهره‌بری اقتصادی از آن‌ها به مثابه یکی از وجوه مظاهر تمدن جدید، توجه روشنفکران را به خود جلب می‌کند. بنابراین، وجود موزه‌ها و انتفاع از بناهای ارزشمند تاریخی از الزامات تمدن جدید است و به عوام از گذشته خودشان آگاهی می‌بخشد^{۲۵}.

در آرای روشنفکران ملت و دولت، هر دو، بنا به وظیفه و از طرق مختلف، همچون تشکیل انجمن‌ها و نهادهای مختلف، باید به نگهداری و صیانت از این آثار بکوشند؛^{۲۶} زیرا آثار معماری



۲۱. حاج سیاح، مجموعه خاطرات و سفرنامه‌های ایران، خاطرات حاج سیاح، ص ۴۱.
۲۲. باید توجه داشت که واژه اکتشاف در اینجا به معنی کشف عتیقه‌جات است و مفهوم مطالعات باستان‌شناسی و تکمیل یافته‌ها در این امتیاز کشف اهمیت نداشته و سودجویان فرانسوی برای به‌دست‌آوردن گنج‌های شرق و بخصوص ایران به این نوع از اقدامات می‌پرداختند و عملاً بسیاری از محوطه‌های تاریخی ایران را به نابودی کشاندند.
۲۳. همان، ص ۲۲۳.
۲۴. محمدعلی فروغی، مجموعه مقالات فروغی، ص ۲۳.
۲۵. همان، ص ۲۸۰-۲۸۴.
۲۶. همان، ص ۲۳-۲۴؛ ملک‌زاده، همان، ص ۱۰۵.
۲۷. از اشکالات این رویکرد حذف یا کم‌اهمیت جلوه دادن بخشی دیگر از تاریخ و معماری گذشتگان است.
۲۸. آنتونی دی. اسمیت، ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ص ۱۵.
۲۹. در معنای مردم یک کشور و تحت حاکمیت دولتی که بنا به خواست همان ملت تشکیل شده است.
۳۰. همان، ص ۱۹.
۳۱. همان.
۳۲. رشید یاسمی، «ادبیات ملی»، ص ۶۳۰.
۳۳. حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، «ملیت و روح ملی ایران»، ص ۱۰۹.
۳۴. محمود افشار، «آغازنامه؛ مطلوب ما: وحدت ملی ایران»، ص ۳.
۳۵. همان.

متأثر کند.^{۳۳} چنین تعبیری از بخشی از معماری، که فقط آن‌ها هستند که می‌توانند بیانگر «میراث معماری ایران» باشند، دایره آثار معماری گذشته را بسیار تنگ می‌گیرند و در نتیجه این چارچوب مفهومی کلی‌نگر، بسیاری از مصادیق آثار معماری نمی‌توانند در ذیل مفهوم «میراث معماری ایران» جایی داشته باشند؛ چراکه این آثار تأمین‌کننده آن معنا از «ملیت» نیستند. چشم‌انداز اصلی فکری ملی‌گرایی در بین روشنفکران مشروطه و رضاشاهی روزگار باستان ایران بود؛ چراکه به زعم آنان آثاری همچون «استخر» و «پاسارگاد» و «مداین» هستند که «از گذشته با شرافت ما حکایت می‌کنند».^{۳۴} این آثار باستانی ویرانه نشانه‌های تمدنی هستند که گهواره تمدن جهان بوده است.^{۳۵} خرابه‌ای مانند طاق کسری در تیسفون همچون ویرانی تمدن ایران جلوه می‌کند.^{۳۶} از همین روی این تاریخ‌دوران باستان است که باید، با کشف و شناخت آن، حفظش کرد.^{۳۷}

نخستین پیامد چنین برداشتی از معماری گذشته که در پی مفهوم جدید و کلی‌نگر «ملی‌گرایی» است و خمیرمایه آن را صرفاً معماری دوره باستان می‌پندارد، حذف بخش عظیمی از تاریخ معماری و مصادیق آن است. برای رفع این مشکل، روشنفکران در مفهوم‌سازی از «میراث معماری ایران»، ترکیب دیگری را جانشین آن می‌کنند: «میراث ملی معماری ایران»؛ و از آن چنان نام می‌برند که بتواند بیانگر کل دارایی معماری ما باشد. نکته جالب توجه آنکه هر نوع ورود آثار معماری دوره اسلامی، فقط و فقط ذیل مفهوم «ملیت» و نوعی وحدت ملی امکان‌پذیر می‌شود.^{۳۸} به بیان دیگر، آن بخشی از تاریخ دوره اسلامی می‌تواند کنار تاریخ باستانی بنشیند و ارزشمند جلوه کند که با «ملی‌گرایی» به مثابه مفهومی نو و مختصات دوران باستانی ایران هماهنگ باشد.^{۳۹} بنابراین معماری‌ای نشانه هویت و وحدت ملی ماست که متعلق به ملت ایران، یعنی قوم ایران، و حکومتی باشد که نماینده وحدت ملی این قوم در تاریخ بوده است.^{۴۰} در این تفسیر، دولتی مانند صفوی در دوره اسلامی به

گذشته، در معادلات فرهنگی و سیاسی عصر جدید جهان می‌تواند همچون نیرویی قوی برای تبیین «شکوه گذشته» و «تفاخر» نزد دیگر مردمان و ملل جهان به کار آید؛ چنان‌که در غرب چنین نگاهی پی گرفته شده بود. به بیانی دیگر، توجه به «معماری گذشته» و «آثار عتیقه» و آگاهی از نقش این آثار در تمدن هر ملتی و در پس آن الزام التفات به آن‌ها برساننده مفهوم «میراث فرهنگی ایران» و به تبع آن مفهوم «میراث معماری ایران» بود.

۲.۲. گزینشگری و مفهوم‌سازی‌های کل‌نگرانه در معماری گذشته

«گزینشگری در معماری گذشته» از ویژگی‌های ایده «میراث معماری» روشنفکران دو دوره یادشده است. به این معنا که آن‌ها به فراخور موقعیت تاریخی و مطالباتی که خود از تاریخ دارند، تلاش می‌کنند برخی از آثار معماری گذشته را انتخاب و به منزله نمونه‌هایی از مصادیق عینی میراث مطرح کنند.^{۳۷} اکثر روشنفکران بناهایی را ارزشمند می‌دانستند که مفاهیم مدنظر ایشان را بیان می‌کرد و بر آن صحنه می‌گذاشت.

پایگاه فکری چنین کنشی «ملی‌گرایی» بود. ملی‌گرایی به منزله پدیده‌ای مدرن^{۳۸} به ایدئولوژی‌ای محوری در اذهان روشنفکران تبدیل شده بود که به دنبال قرار دادن «ملت»^{۳۹} در مرکز علایق خود بود^{۴۰} و اهدافی همچون «استقلال یا خودمختاری ملی، وحدت ملی، و هویت ملی» را مدنظر داشت.^{۳۱} روشنفکر ایرانی، با چنین برداشتی از هویت و وحدت، باید به دنبال معماری‌ای می‌بود که ماده سازنده این موضوع را فراهم می‌آورد. از همین رو، مفهوم ملیت تنها در این وجه معنا می‌یافت که یک ملت «با تذکر یک سلسله وقایع گذشته متأثر و مفتخر می‌شوند»^{۳۲}. پس تنها آثاری مدنظر قرار می‌گرفتند که بتوانند این وجه از مفهوم و منظور ملیت را تأمین کنند و نشانگر خاطرات مشترک تاریخی باشند و یادآوری‌شان روح ایرانی را

گذشته باشند.^{۴۳} به بیان دیگر، اینجا سخن از روش‌شناسی بررسی تاریخی است، و نه موضوع یا مفهوم‌سازی برای آن. به تبع مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری جدید و روش‌هایی که روشنفکران از مواجهه با علوم غربی دریافت کرده‌اند، نقش «اسناد» در تدوین تاریخ حایز اهمیت فراوان بود؛ زیرا تاریخ اساساً باید بر پایه مدارک و اسناد اصیل نوشته شود^{۴۴} و تنها راه دسترسی به حقایق تاریخی از طریق تحلیل، ارزیابی، و نقادی اسناد تاریخی و پایبندی به آن‌هاست.^{۴۵}

«سند دو نوع است، یا عین اثر ماضی باقی است مثل بنا و سکه و غیره یا حکایتی و روایتی از آن در دست است».^{۴۶} حتی شواهد هم بر دو نوع قولی و غیرقولی است که ابنیه و آثار عتیقه جزو شواهد غیرقولی قرار می‌گیرند.^{۴۷} پس آثار معماری در این رویکرد از مرتبه صرف آثار گذشته به مرتبه «اسناد» تاریخ برکشیده شده و از اعتبار بیشتری نیز برخوردار می‌شوند؛ زیرا «از حیث عظمت و دوام کمتر معروض کذب توانند شد».^{۴۸} از این‌روست که میرزا آقاخان کرمانی، در طبقه‌بندی منابع تاریخ، اولین منبع نگارش تاریخ ما را «آثار عتیقه و پارشمن»^{۴۹} هایی که از نقش‌ونگار عمارات قدیمه و حفاریات کشف می‌شود، مانند آثار پرسپولیس و شوش و... می‌داند.^{۵۰} حسن پیرنیا (مشیرالدوله) نیز «آثار عتیقه، چه از روی زمین به دست آید و چه از زیر زمین» را از منابع تاریخی برمی‌شمرد^{۵۱} و درست به اعتبار چنین جایگاهی از آثار معماری گذشته در تاریخ‌نگاری است که روشنفکران در صد وقایع‌نگاری گذشته بودند؛^{۵۲} زیرا به گمان ایشان از این طریق است که می‌توان بسیاری از «حقایق» نامکشوف تاریخی را دریافت؛ و به همین اعتبار می‌شود از «مدنیت ایران و وضع زندگی ایرانیان» استدلال کرد.^{۵۳} آن هم درحالی که بسیاری از کتب تاریخ ما به دلایلی مفقود شده‌اند. حاصل سخن اینکه آثار معماری گذشته، فارغ از کاربردشان در مفهوم‌سازی‌ها، به اعتبار تاریخی‌نگاری که روشنفکران آن را «علمی» می‌دانند، از جایگاه علمی ویژه‌ای در این زمینه برخوردار می‌شوند؛ چراکه از منظر

این دلیل که همچون هخامنشیان توانسته‌اند «عواطف مختلفه ملت ایران را در سلک ملت واحده منتظم کند»^{۴۱} ارزشمند تلقی می‌شود. بنابراین، بناهایی «از قبیل تخت جمشید و قلعه اصطخر، یا یکی از مشهورترین آثار پادشاهان صفویه»^{۴۲} درست به دلیل قرارگیری ذیل مفهوم «ملی‌گرایی» می‌توانند نشانه‌ای از گذشته ما باشند و در نتیجه ارزشمند تلقی شوند و جزئی از «میراث ملی معماری ایران» به‌شمار آیند.

در مجموع، روشنفکران با توجه به مفهوم نو «میراث معماری»، که آن را از الزامات جهان جدید می‌دانستند، در همبستگی با مفهوم کلی‌نگر جدیدی نظیر «ملی‌گرایی»، که بخش عظیمی از تاریخ را نادیده می‌گرفت و بیشتر توجهش به دوران باستانی ایران بود، مفهوم «میراث ملی معماری ایران» را تدوین می‌کنند.

۳. روشنفکران و مفهوم تاریخ معماری

بخشی از اندیشه روشنفکران که بازگوکننده مفهومی به نام «میراث ملی معماری ایران» بود، با قسمی که تدوینگر مضمون جدید از مفهوم «تاریخ» و در پی آن موضوع «تاریخ معماری ایران» بود، تفاوت‌هایی داشت. به نظر می‌رسد می‌توان در تبیین سیر تکامل دو مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» مؤلفه‌هایی از «تقابل» میان این دو مفهوم را در آرای روشنفکران یافت. در اینجا مباحثی که در اندیشه متفکرین این دوره به تدوین مفهوم «تاریخ معماری ایران» انجامید، در دو بخش «جایگاه علمی معماری گذشته (معماری به مثابه سند تاریخ‌نگاری)» و «دقت علمی تاریخ‌نگار» شرح داده می‌شود.

۳. ۱. جایگاه علمی معماری گذشته (معماری به مثابه سند تاریخ‌نگاری)

در تاریخ‌نگاری جدید، آثار معماری به منزله شواهد تاریخی جایگاه ویژه‌ای داشته است و می‌توانستند سند برخوردار ما با

۳۶. نک: میرزاده عشقی، سیدمحمدرضا کردستانی. کلیات مصور میرزاده عشقی. ۳۷. عبدالرحمان سیف آزاد، «گفتار نخست»، ص ۲.
۳۸. محندعلی اکبری، تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)، ص ۲۵۹.
۳۹. همان.
۴۰. میرزا فتحعلی آخوندزاده، مقالات، ص ۴۴-۴۵.
۴۱. همان، ص ۴۵.
۴۲. همان.
۴۳. نک: یاسمی، آیین نگارش تاریخ.
۴۴. سیمین فصیحی، جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی، ص ۲۵۰.
۴۵. همان.
۴۶. یاسمی، همان، ص ۱۴۳-۱۴۴.
۴۷. همان، ص ۴۰.
۴۸. همان، ص ۷۷.
49. parchemin
۵۰. فصیحی، همان، ص ۱۷۴.
۵۱. حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان، جلد ۱، ص ۲۲.
۵۲. میرزا آقاخان کرمانی، صدخطابه، ص ۱۷-۲۷.
۵۳. همان، ص ۲۷.

روش‌شناختی، همچون پایه‌ای برای تاریخ‌نویسی دیده می‌شوند که دست‌کم در وجه نظری آن با مفهوم «میراث ملی معماری ایران» متفاوت است.

۳. ۲. دقت علمی تاریخ‌نگارانه

روش‌فکران با توجه به مبانی تاریخ‌نویسی جدید و ضرورت تام «دقت علمی» در آن، تاریخ‌نگاری معماری را نیز پی گرفتند؛ چراکه «اخبار تاریخی جزئی هستند، یعنی مقید به زمان و مکان خاص هستند که اگر از آن‌ها سلب شود صفت تاریخی را از دست می‌دهند».^{۵۴} از این‌رو، مجموعه‌ای از ملاحظات عام در «تاریخ‌نویسی علمی» در تاریخ‌نگاری معماری نیز به اجرا درمی‌آید، ملاحظاتی نظیر اینکه امور تاریخی «عینی» نیستند و از آن‌رو که «ذهنی» هستند، بسیار به جزئی‌نگری، تحلیل و ترکیب، و دقت‌ورزی نیاز دارند، و برای تأیید یک خبر، باید با جزئیات بیشتر و داده گسترده‌تر، صحت و سقم آن را مشخص کرد.^{۵۵} به تعبیر عباس اقبال تاریخ‌نگاری نیاز به «نظر دقیق» دارد و روشی برای «استنتاج در مسائل تاریخی» را می‌طلبد.^{۵۶} اساساً این نگرش در اسلوب تاریخ‌نگاری سخنی است در مبانی تاریخ‌نویسی و پیامد آن در تاریخ‌نگاری معماری. این است که حوزه دانش معماری دیگر به دیده‌ها و صرف اطلاعاتی که از اکتشاف‌های باستان‌شناسان برمی‌آید، اکتفا نمی‌کند؛ بلکه آشکارا با دیگر حوزه‌های دانش ارتباط می‌یابد تا صحت اسناد آن تقویت شود. بنابراین ملاحظاتی همچون دوره‌بندی‌های تاریخی، نژادها، زبان‌ها، خط‌ها، و... و همچنین منابع معتبر تاریخ‌نویسی، در حیطه توصیفات و تحلیل‌های ما معماری اهمیت بنیادینی دارند.^{۵۷}

با این ملاحظات است که روش‌فکران معتقدند مشاهده آثار و اکتشافات معماری خودبه‌خود نمی‌تواند معیار تحلیل و نتیجه‌گیری قرار بگیرد؛ بلکه باید آن‌ها را با اسناد معتبر محک زد و نباید از هر دیدگاهی نتیجه‌ای دلخواه استنتاج کرد.^{۵۸} هر

خبر و سند جدیدی از آثار گذشته باید با دیگر منابع تاریخ‌نگاری دست‌اول، نظیر گزارش‌های باستان‌شناسان و کتب تاریخی معتبر، که منتشر می‌شود و شرحی دقیق درباره آن اثر به دست می‌دهد^{۵۹}، مطابقت داده شود. از دید ایشان هر گزاره‌ای، که حامل مفهوم یا واژه‌ای تاریخی باشد، باید بررسی و به نحوی تبارشناسی گردد تا درخور بیانی تاریخی شود^{۶۰} و حتی بیش از آن باید با معیار نتایج جدید علوم دیگر نظیر علم زبان‌شناسی نیز سنجیده شود.^{۶۱} چنین فرایندی مؤید دیدگاه علمی در تقسیم‌بندی منابع تاریخی است.

بنابراین، روش‌فکران با اجتناب از نتیجه‌گیری‌هایی که منجر به حذف بخشی از آثار تاریخی برای توجه به مفهومی خاص همچون ملی‌گرایی می‌شوند، دیگر به ذکر چند ویژگی از شکوه و عظمت آثار معماری اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه در این شیوه جزئیات تاریخی از ابعاد و اندازه دقیق آثار، تا تدقیق دوره‌بندی‌های تاریخی، تبارشناسی واژگان و اسامی به‌دست‌آمده از اکتشافات تاریخی، تا توصیف جزئیات شکل‌وشمایلی آثار معماری، مصالح، عملکرد، و مختصات جغرافیایی‌شان مبنا قرار می‌گیرد.^{۶۲} در واقع در این شیوه از نگاهستن تاریخ معماری، جزئیات دقیق تاریخی جای‌گزین‌سگری و مفهوم‌سازی‌های کلی‌نگری نظیر ملی‌گرایی را می‌گیرد.

نکته قابل‌ملاحظه دیگر اینکه نگارش تاریخ آثار معماری از این پس همراه است با قرار دادن آثار معماری در میانه مناسبات اجتماعی- فرهنگی و سیاسی- اقتصادی زمانه اثر. به تعبیری آثار هر دوره‌ای باید در نسبتی منطقی با دوره سیاسی، ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی جامعه اثر توصیف شود.^{۶۳} چنان‌که اقبال در توصیف تک‌نگارانه‌اش از گنبد سلطانیه، با توصیف ویژگی‌های دوره ایلخانان، شرایط اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، و فرهنگی اثر را توصیف می‌کند و به شرح جزئیات کالبدشناسی اثر اکتفا نمی‌کند.^{۶۴} همین‌طور نفیسی، با رجوع به کتب تاریخی و اقوال شفاهی مردم حاضر و منابع تحقیقی غربی‌ها، شرحی از موقعیت

۵۴. یاسمی، همان، ص ۸۷.

۵۵. همان.

۵۶. فصیحی، همان، ص ۲۴۸.

۵۷. نک: پیرنیا، تاریخ ایران باستان، جلد ۱.

۵۸. نک: علی‌اصغر حکمت، «در خرابه‌های بازارگاد».

۵۹. نک: ه. شیرازی، «کشف مهم آثار عتیق در عراق (بین‌النهرین)».

۶۰. به طور مثال، علی‌اصغر حکمت در شرح بازدیدش از خرابه‌های پاسارگاد که در سال ۱۳۰۶ در مجله

تعلیم و تربیت به نگارش درآورده است، با هدف شرح تاریخی منقح، حتی واژه‌ای چون خود "پازارگاد" را

نیز تبارشناسی می‌کند و به اعتبار کتب مورخان غربی، در خصوص آن توضیحی می‌دهد. برای اطلاع بیشتر

نک. حکمت، همان.

۶۱. محمدامین ادیب طوسی، «اثر تاریخی - اکتشافات مهم»، ص ۱۰۶.

۶۲. نک: حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان، جلد ۲؛ عباس اقبال آشتیانی، مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی.

۶۳. نک: پیرنیا، همان؛ اقبال آشتیانی، همان.

۶۴. نک: اقبال آشتیانی، همان.

بر «زمان بالنده»^{۷۰}، یعنی همان «زمانی» که پیشرفت را سبیری خطی می‌پندارد، تأکید می‌کردند.^{۷۱} این دریافت نو از «زمان»، «گذشته»، «تاریخ»، «آثار گذشتگان»، و «میراث»، در تکوین «مفهوم جدی»، از رهگذر غیاب این مفهوم جدید، یکی از مؤلفه‌های مفهوم «میراث ملی معماری ایران» در آرای روشنفکران بود.

ایشان با تلاش برای تکوین مفهوم جدید میراث معماری از رهگذر غیاب این مفهوم در میان ایرانیان تلاش می‌کنند مفاهیم جدیدی را تدوین کنند که نبود آن‌ها باعث عقب‌ماندگی ما و وجود آن نزد غربی‌ها موجب «پیشرفت» آن‌ها بوده است. چنان‌که افتخار، بزرگداشت، احترام، و حفظ آثار گذشتگان از وجوه اساسی «پیشرفت» شمرده می‌شود و نیز تشکیل انجمن‌های حفاظت از آثار و موارث فرهنگی اعم از ملموس یا ناملموس و نهادهایی همچون موزه نیز در این روایت، مؤید پیشرفت هستند. موزه‌ها در این نگاه جدید به گذشته و میراث پدید می‌آیند تا «به مثابه پیامد وضعیت مدرن و روایت‌های پیشرفت (ترقی)»^{۷۲} جلوه کنند. موزه با ردیف کردن آثار پیش چشم ناظر، سیر خطی «زمان» و «پیشرفت» را نشان می‌دهد؛^{۷۳} پیشرفتی که به منزله «متمدن بودن» فهمیده می‌شود. از طرفی آنچه روشنفکران با مفهوم‌سازی‌های کلی‌نگر و جدید در پی آن هستند، استفاده از مفاهیم جدید جهان مدرن همچون «ملی‌گرایی» است؛ چراکه این پایگاه مفهومی است که به تعبیر روشنفکران چارچوب جهان جدید است و باید هر وجه از فرهنگ و تمدن را با آن سازگار کرد.^{۷۴} بنابراین اگر هدف «پیشرفت» باشد (که از منظر روشنفکران باید باشد)، تنها در پیوستگی با مفهوم کلی‌نگر و جدیدی همچون ملی‌گرایی، به مثابه چارچوب جهان جدید، امکان‌پذیر است.

از سوی دیگر، انگاره روشنفکران در خصوص مفهوم «تاریخ معماری ایران» نیز مکمل مفهوم «میراث ملی معماری ایران» به نظر می‌رسد. هر دو مؤلفه «معماری» به مثابه سند تاریخ‌نگاری

تاریخی، اجتماعی، فرهنگی اثر می‌دهد تا آن را در جامعیت اجتماعی- فرهنگی زمانه‌اش توصیف کند.^{۷۵}

بنابراین، آنچه در مفهوم «تاریخ معماری ایران» اهمیت دارد، توجه به مبانی تاریخ‌نویسی جدید، قواعد علمی آن در تحلیل‌ها و توصیف‌ها، توجه زیاد به جزئیات، استناد به منابع مختلف، و تحلیل هر گزاره و نشاندن هر تحلیل تاریخی در محدوده اطلاعات وسیع‌تر، نظیر داده فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی دورانی است که اثر معماری در آن تولد یافته است.

۴. تحلیل: دوگانه میراث ملی و تاریخ معماری (تقابل و تکامل)

آنچه پیونددهنده دوگانه «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» و سازنده وجه تکاملی این دو است، مفهوم «گذشته» و پیوستگی مضمون جدید این واژه با ایده «پیشرفت» است. «تاریخ» که در کار بیان چیزی از گذشته است و «میراث» که اساساً به تعبیری «به معنای به ارث رسیدن چیزی از گذشته است»^{۶۶}، هر دو هم‌بستگی‌ای با مفهوم «گذشته» دارند. در دل مفهوم «گذشته» در منطق مناسبات جهان جدید، یا به بیان دیگر در منطق مدرنیته، که اینجا به مثابه نقطه پیوستگی و تکاملی این دوگانه نیز از آن یاد می‌شود، مفهوم بنیادین «زمان» قرار دارد. مدرنیته زمان را به معنای پشت سر گذاشتن گذشته می‌فهمد.^{۶۷} به این معنا، زمان به مثابه فلسفی است روبه‌جلو و بازگشت‌ناپذیر، به معنای «پیشرفت»^{۶۸}.

این معنا از گذشته همواره در حال پیش رفتن است و به منظور خلق گذشته‌ای که در خط سیر پیشرفت قرار بگیرد، «برای خودش گذشته‌ای خلق می‌کند که آن هم امری است همه‌جا حاضر و هم امری قریب الوقوع در اکنون».^{۶۹} این دریافت نو از دو مفهوم «زمان» و «گذشته» در اذهان روشنفکران ایرانی نیز رسوخ کرده بود و ایشان نیز در مفهومی که از «تاریخ» و «گذشته» و به تبع از «آثار گذشته» می‌فهمیدند

۶۵. نک: سعید نفیسی، «آثار تاریخی چهار پادشاه در لاهیجان».

66. E.H. Matthes, *The Ethics of Cultural Heritage*, Stanford Encyclopedia of Philosophy, p. 2.

67. Harrison, *Heritage: Critical Approaches*, p. 25.

68. Ibid.

69. Ibid.

70. linear time

۷۱. محمد توکلی طرقي، *تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ*، ص ۱۱.

72. L. Smith, *The Uses of Heritage*, p. 18.

73. Ibid.

۷۴. آدمیت، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، ص ۱۱۵.

افتخارآمیز و شکوهمندانه از شکست پادشاه روم در برابر پادشاه ایران (شاپور) داشته باشد^{۶۹} و این نگاره نقش برجسته به حکم قوانین علمی تاریخ‌نگاری باید به محک دیگر منابع بخورد؛ اما در مفهوم «میراث ملی معماری» آنچه محوری است این است که «مفهوم میراث می‌خواهد با ارزیابی‌های مثبت از گذشته همراه باشد»^{۸۰} و به تعبیر دیگر میراث از نظر این روشنفکران همه چیزهایی است که در تاریخ و فرهنگ «خوب» هستند^{۸۱}. به تعبیری، در مضمونی که روشنفکران از مفهوم «میراث ملی معماری ایران» مراد می‌کنند، همواره نوعی اغراق، نادیده‌گیری آگاهانه، و فراموشی وجود دارد.

پیامد فهم «تاریخ معماری ایران» در تقابل با «میراث ملی معماری ایران» آن است که مفهوم‌پردازی‌های کلی‌نگر و غیرتاریخی و نادیده گرفتن بخش عظیمی از مصادیق تاریخ معماری ایران در قالب مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و آن تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های متهورانه مستتر در مفهوم آن جای خود را به دقت نظر علمی، جزئی‌نگری و سواس‌گونه، و توصیف‌های محافظه‌کارانه و اجتناب از نتیجه‌گیری می‌دهد. این وجه تقابل مرز میان دو مفهوم «میراث» و «تاریخ» و به تبع مرز میان دو مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» نزد روشنفکران دوره مشروطه و رضاشاهی است.

۵. نتیجه‌گیری

دوگانه «میراث معماری» و «تاریخ معماری» در اذهان روشنفکران دوره مشروطه و رضاشاه دوگانه‌ای است که در نقاط پیوستگی‌اش گسست‌هایی نیز نمایان است. به بیان دیگر، این دوگانه هم وجه تکاملی دارد هم وجه تقابلی. آنچه ما امروزه با عنوان «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» می‌شناسیم، مؤلفه‌ها و مضامینی در آرای روشنفکران مشروطه و عصر رضاشاهی دارد که به مبادی اندیشه جدید بازمی‌گردد. ایده «پیشرفت» در تمدن جدید به مثابه یکی از این مبادی

و «دقت علمی تاریخ‌نگارانه»، از انگاره‌ها و اندیشه‌های جدید در خصوص مفهوم جدید «تاریخ» نشئت گرفته‌اند. روشنفکران با نقادی از معیارهای تاریخ‌نگاری در سنت پیشین ایرانیان، نظیر زبان، روایت، ابهامات تاریخی، و...^{۷۵} تلاش می‌کنند نشان دهند که برای نگارش «تاریخ حقیقی» و «تاریخ علمی» باید به معیارهای جدید تاریخ‌نویسی که نزد غربی‌هاست، و نشان‌دهنده پیشرفت در نگارش تاریخ است، تن در داد؛ زیرا آن دقت و آن اعتبار در گزاره‌های تاریخی، که مراد روشنفکران بود، برآمده از پیشرفت در «علم تاریخ» بود.^{۷۶} بنابراین، چنین توجهی به پیشرفت در تاریخ‌نگاری و تأسی به تاریخ‌نگاری علمی غربی‌ها خود مؤید ایده «پیشرفت» است که به مثابه پیونددهنده دو مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران»، به منزله وجه تکاملی این دو مفهوم است.

اما از سوی دیگر، با بررسی دو مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» می‌توان به وجه تقابلی این دو مفهوم نیز پی برد. شاید بتوان بهترین بیان این وجه تقابلی را در این گفته یافت که «تاریخ سعی می‌کند حقیقت را بپذیرد و کذب را ناموجه جلوه دهد [و] میراث اغراق می‌کند و از قلم می‌اندازد، رُک‌وراست، نادیده می‌گیرد و صادقانه فراموش می‌کند».^{۷۷} درست برعکس تأکیدی که در مفهوم «تاریخ معماری ایران» بر روش تاریخ‌نویسی جدید در توصیف و تحلیل، اسناد و منابع، و... و پرهیز از نتیجه‌گیری‌ها و کلی‌نگری‌ها می‌شود؛ مضامین مندرج تحت مفهوم «میراث ملی معماری ایران» لبریز است از نوعی شیفتگی کلی‌نگرانه و گزینشگرانه نسبت به گذشته و به تعبیری «چسبیدن به این تاریخ به عنوان تاریخ افتخارات»^{۷۸}.

روشنفکران در مضمون «تاریخ معماری ایران» به دنبال حقیقت‌یابی بودند، ولی در مفهوم میراث به دنبال دریافت‌های افتخارآمیز و شکوهمندانه از آثار گذشتگان. چنان که مفهوم «تاریخ معماری ایران» نمی‌تواند از نقش برجسته به خاک افتادن والرین در مقابل پادشاه ایران، بلافاصله دریافتی

۷۵. نک: میرزا آقاخان کرمانی، سه مکتوب.

۷۶. فروغی، همان، ص ۹۵.
77. D. Lowenthal, *The Heritage Crusade and the Spoils of History*, p. 121.

۷۸. آشوری، همان، ص ۸۲.
۷۹. یاسمی، همان، ص ۶۳.

80. Matthes, *ibid*, p. 3.

81. Smith, "Ethics or Social Justice? Heritage and the Politics of Recognition", p. 63.

این اختلاف‌ها در عمده‌ترین خصیصه‌اش به ماهیت «میراث معماری» و ماهیت «تاریخ معماری» بازمی‌گردد. در میراث آنچه اهمیت دارد پرورش نوعی شیفتگی به گذشته است و در تاریخ‌نگاری معماری آنچه مهم جلوه می‌کند چستی واقع‌انگارانه گذشته است. بنا به این ماهیت، سازوکار تعریف و مسیر دستیابی به شیفتگی، در مفهوم میراث معماری ایران، حفاظت و نمایش هرچه بهتر آثار گذشتگان به مثابه «میراث باشکوه معماری ما» است که مایه افتخار ایران و ایرانی است و در مفهوم تاریخ معماری ایران سازوکار تعریفی و مسیر دستیابی و تلاشی برای دستیابی به حقیقت گذشته است، چه خوب باشد چه بد.

اندیشه جدید، با دریافتِ نوری که از مفاهیمی چون «زمان» و «گذشته» و «تاریخ» دارد، مفهوم «میراث ملی معماری ایران» و «تاریخ معماری ایران» را به یکدیگر پیوند می‌دهد. ایده پیشرفت در میراث ملی معماری با القای الزاماتی چون توجه ویژه به آثار گذشتگان و حفظ بناها و ابنیه‌ای که به کار روایت ملی‌گرایانه بیایند، و در تاریخ معماری با دقت علمی و نظری که بر معیارهای تاریخ‌نگاری جدید می‌شود، سيطرة اندیشه جدید بر ذهن روشنفکران را بازگو می‌کند.

به‌رغم این وجه تکاملی، وجهی تقابلی از این دوگانه پیداست که نشان‌دهنده اختلاف‌هایی در دریافت روشنفکران از دو مفهوم میراث معماری ایران و تاریخ معماری ایران است.

منابع و مأخذ

بیگدلو، رضا. «ارزیابی انتقادی تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی در ایران». در مجله مطالعات ملی، ش ۵۸ (۱۳۹۳)، ص ۹۵-۱۲۶.

_____. باستان‌نگاری در تاریخ معاصر ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.

پيامدهای حقوقی خوانش تجددخواهانه از تاریخ بر معماری ایران (دوره مشروطه تا پایان پهلوی اول)، خادم‌زاده، محمدحسن، و پوریا محمودی اصل همدانی (عوامل طرح)، طرح پژوهشی بنیادی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.

پیرنیا، حسن. تاریخ ایران باستان، جلد ۱، تهران: آگاه، ۱۳۹۱.

_____. تاریخ ایران باستان، جلد ۲، تهران: آگاه، ۱۳۹۱.

توفیق، ابراهیم و همکاران. نامیدن تعلیق؛ برنامه‌ای پژوهشی برای جامعه‌شناسی تاریخی انتقادی در ایران، تهران: نشر مانیا هنر، ۱۳۹۷.

توکلی طرقي، محمد. تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۱.

حاج سیاح، محمدعلی سیاح محلاتی. مجموعه خاطرات و سفرنامه‌های ایران؛ خاطرات حاج سیاح، به‌کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.

حقیق، سعید و حامد کامل‌نیا. نظریه مدرنیته در معماری ایران، تهران: کتاب فکر نو، ۱۳۹۸.

حکمت، علی‌اصغر. «در خرابه‌های بازارگاد»، در مجله تعلیم و تربیت، سال

آجودانی، ماشاءالله. مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۱.

آخوندزاده، میرزا فتحعلی. مقالات، گردآوری باقر مؤمنی، تهران: انتشارات آوا، ۱۳۵۱.

آدمیت، فریدون. انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران (مقالات تاریخی)، به‌اهتمام سیدابراهیم اشک‌شیرین، تهران: نشر گستره، ۱۳۹۴.

_____. اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹.

آشوری، داریوش. ما و مدرنیته، تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.

ادیب طوسی، محمدامین. «اثر تاریخی - اکتشافات مهم»، در مجله نامه تمدن، ش ۴ (خرداد ۱۳۱۰)، ص ۱۰۶-۱۰۹.

اسمیت، آنتونی دی. ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور رضایی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۳.

افشار، محمود. «آغازنامه: مطلوب ما: وحدت ملی ایران»، در مجله آینده، ش ۱ (۱۳۰۴)، ص ۳-۸.

اقبال آشتیانی، عباس. مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی، گردآوری و تدوین سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۹.

اکبری، محمدعلی. تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.

کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین. «ملیت و روح ملی ایران»، در *مجله ایرانشهر*، سال دوم، ش ۴ (۱۳۰۲)، ص ۱۹۳-۲۰۶.

ملک‌زاده، مهدی. *زندگانی ملک‌المتکلمین*، تهران: شرکت نسبی علی‌اکبر علمی و شرکاء، ۱۳۲۵.

میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالحسین. *سه مکتوب*، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه، تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۷۸.

_____. *صدخطابه*، به ویراستاری محمدجعفر محجوب، تهران: شرکت کتاب، ۱۳۸۲.

میرزاده عشقی، سیدمحمدرضا کردستانی. *کلیات مصور میرزاده عشقی*، تألیف و نگارش علی‌اکبر مشیرسلیمی، چاپخانه سپهر، ۱۳۵۷.

نفیسی، سعید. «آثار تاریخی چهار پادشاه در لاهیجان»، در *مجله تعلیم و تربیت*، سال سوم، ش ۵ و ۶ (مرداد و شهریور ۱۳۰۶)، ص ۲۶۶-۲۸۲.

یاسمی، رشید. «ادبیات ملی»، در *مجله آینده*، سال سوم، ش ۲۱ (۱۳۰۶)، ص ۶۳۹-۶۳۲.

_____. *آیین نگارش تاریخ*، تهران: مؤسسه انتشارات وعظ و خطابه، ۱۳۱۶.

Harrison, Rodney. *Heritage: Critical Approaches*, London: Routledge, 2013.

Lowenthal, David. *The Heritage Crusade and the Spoils of History*, London: Cambridge, 1998.

Matthes, Erich Hatala. *The Ethics of Cultural Heritage*, *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, 2018.

سوم، ش ۵ و ۶ (۱۳۰۶)، ص ۲۴۷-۲۵۷.

رحمانیان، داریوش. *تاریخ علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین (از آغاز دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی)*، تبریز: دانشگاه تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی، ۱۳۸۲.

سیف آزاد، عبدالرحمان. «گفتار نخست»، در *مجله ایران باستان*، ش ۱ (۱۳۱۱)، ص ۲.

شیرازی، ه. «کشف مهم آثار عتیق در عراق (بین‌النهرین)»، در *مجله علم و هنر*، ش ۴ (۱۳۰۷)، ص ۲۶-۲۸.

ضیاء‌ابراهیمی، رضا. *پیدایش ناسیونالیسم ایرانی: نژاد و سیاست بی‌جاسازی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۶.

طباطبایی، جواد. *تاملی درباره ایران*، جلد دوم: *نظریه حکومت قانون در ایران*، بخش نخست: *مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی*، تهران: انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۵.

فروغی، محمدعلی. *مجموعه مقالات فروغی*، جلد اول، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۴.

فصیحی، سیمین. *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، تهران: نشر نوند، ۱۳۷۱.

Smith, Laurajane. *The Uses of Heritage*, London: Routledge, 2006.

_____. "Ethics or Social Justice? Heritage and the Politics of Recognition", in *Australian Aboriginal Studies*, 2(2010), pp. 60-68.

<http://ensani.ir/fa/article/author/7934>